

تشکیلات اسلامی

با بهره مندی از نظرات شهید بهشتی

جنابش عدالتخواه دانشجویی



دغدغه کار تشکیلاتی منسجم و تربیت نیروهای باتوان مدیریت و ساماندهی بالا هیچ گاه از ذهن دست اندرکاران تشکلهای انقلابی خارج نمی‌شود. از طرفی حجم گسترده تشکلهای مردمی انقلاب و بازده نامتناسب آنها در جهت اولویتهای نظام و آرمانهای انقلاب اسلامی، لزوم توجه جدی تر به دو عنصر "فکر" و "تشکیلات" را در این طیف نمایان می‌سازد. بدیهی است مبانی فکری صحیح بدون وجود سازماندهی مناسب از اثربخشی لازم برخوردار نمی‌شوند و گسترش سازمان بدون آرمان، غلبه پوشالینی از فرم بر محتواست و مشکلی را حل نمی‌کند که چه بسا مشکل آفرین گردد.

در مجموع به نظر می‌رسد مجموعه‌هایی که به تحلیل و رشد فکری مناسب رسیده‌اند نیز به خاطر ضعف عنصر تشکیلات توان بازدهی متناسب با عملکرد و قدرت خود را نداشته‌اند فلذا باید چاره‌ای اندیشید.

جزوه حاضر با این دغدغه و با هدف بررسی مولفه‌های "تشکیلات اسلامی" با بهره‌مندی از سخنان شهید بهشتی پیرامون کار تشکیلاتی تهیه شد و البته بخش دوم آن را مسائل عینی‌تر کار تشکیلاتی در بر گرفته که شاید خالی از سلیق شخصی نیز نباشد.

امید آنکه انتشار این جزوه بتواند مقدمه‌ای بر تأمل و توجه بیشتر به مساله تشکیلات گردد و بسترساز گامهای جدی تری در جهت دستیابی به مدلی صحیح از "تشکیلات اسلامی" گردد. ناگفته نماند که هر چند بخش دوم جزوه، ناظر به تشکلهای دانشجویی تهیه شده است لیکن اعم مباحث آن برای سایر تشکلهای خالی از فایده نخواهند بود. در ضمن آیات و روایاتی - با ترجمه آزاد -، برای تکمیل بحث آورده شده‌اند که ان شاء الله مفید واقع شوند.

و من الله التوفیق

واحد تشکیلات جنبش عدالتخواه دانشجویی

تعریف :

اگر تشکیلات را مسامحتا به معنای سازمان یا حداقل نوعی از آن به حساب آوریم می توان تعریف زیر را برای آن به کار برد : "تشکیلات عبارت است از نظام اجتماعی خاصی که بر اساس آن عده ای از افراد - هم عقیده - به منظور رسیدن به یک سلسله هدفهای نسبتا مشخص با یکدیگر همکاری می کنند بدین ترتیب که تصمیماتی را اتخاذ می نمایند یا به مرحله اجرا و عمل در می آورند" «۱»

از آنجا که این مفهوم ارتباط وثیق و تنگاتنگی با مساله مدیریت پیدا می کند شاید بد نباشد که تعریفی کوتاه از مدیریت نیز ارائه کنیم : "مدیریت را می توان جریان برنامه ریزی ، سازماندهی ، هدایت و نظارت بر کوشش های تشکیلاتی اعضاء و به کارگیری کلیه منابع در جهت وصول به اهداف سازمان تعریف کرد" «۲»

(«۱» و «۲» : سازمان و مدیریت ، بلال دولتی)

ضرورت :

پاسخ این سوال که چه لزومی به کار تشکیلاتی هست را می توان با "دستیابی به نظم و ساماندهی مناسب" خلاصه کرد اما تاکید مبانی فکری و اعتقادی ما بر این مساله مویدی محکم بر آن خواهد بود لذا به برخی از آنها اشاره می نمائیم :

الف - تحقق امر به معروف و نهی از منکر :

ما برای اینکه بتوانیم کارهای بزرگی را انجام دهیم بی شک باید متشکل باشیم . رابطه های ایمانی و اعتقادی و عملی دینی سازمان نیافته ، تنها برای رسیدن به بخشی از اهداف و تحقق بخشیدن به قسمتی از مراحل یک انقلاب می تواند کافی باشد .

در آیات و روایات متعدد ، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر بزرگترین و بالاترین وظیفه شناخته شده که همه واجبات و فرائض دیگر در پرتو آن گذارده می شود. «۱»

"لتامرّن بالمعروف و لتنهّن عن المنکر او لیسئلن الله شرارکم علی خیارکم ، فیدعوا خیارکم فلا یستجاب لکم" «۲»

ترک امر به معروف و نهی از منکر منجر به غلبه بدانتان بر خوبانتان می شود و دعا‌های خوبانتان را نیز بی اثر می سازد .

با یکی دو نفر نمی شود به جنگ فسادها و منکرات بزرگ و اساسی رفت و با ظالمان گردن کلفت در افتاد ، برای این کار باید مومنان را گرد هم جمع کرد .

"ید الله مع الجماعه" «۳» دست یاری خداوند با جماعت مومنان خواهد بود.

"ان جماعه فیما تکرهون من الحق خیر من فرقه فیما تحبون من الباطل و ان الله سبحانه لم یعط احدا بفرقه خیرا ممن مضی و لا ممن بقی" «۴» جماعت گریزان از حق بهتر از جمع متفرقی است که از باطل می گریزد و خداوند خیری را برای جمع متفرق قرار نداده است .

(«۱»: شهید بهشتی ، «۲» و «۴»: الحیاه ج ۱ ، «۳»: قرآن کریم)

ب - نظم :

اما ضرورت اصل تشکل ، اصلی اجتناب ناپذیر است . مگر الله الهی که در آن وصیت ، مولا فرموده اند یکی اش نظم امرکم نیست ؟ خدای را خدای را در نظم امرتان . آیا در این که تشکل یک نوع نظم است کسی تردید دارد ؟ «۱»

ثمره تشکیلات ، تقسیم امور و تعیین دقیق حیطه های کاری افراد و وظائف ایشان است . این نظم و هماهنگی برای جماعت مومنان قوت و اثربخشی را به ارمغان خواهد آورد و طبعا در زندگی شخصی هر فرد نیز ضامن رسیدن او به اهداف مورد نظرش خواهد بود .

"کونا للظالم خصما و للمظلوم عوناً ، اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم" «۲»

دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید ، همه شما و هرکس که وصیت من به او خواهد رسید را به تقوای الهی و نظم در امور سفارش می کنم .

(«۱»: شهید بهشتی ، «۲»: نهج البلاغه نامه ۴۷)

۲ - سازماندهی و شناخت نیروهای متعدد و مسلمان :

بطوریکه اجمالا ما می دانیم جامعه ما یک جامعه ایست پر نیرو ، اما وقتی دست به هر کاری می زنیم در همان قدم اول و دوم می بینیم نیرو کم داریم . آب در خانه و ما تشنه لبان می گردیم . بعد وقتی هم شناسایی می کنیم ، باز قدرت سازمان دادن و سامان دادن نداریم و تجربه تشکیلاتی مان کم است . گاهی هم می بینیم که نیروها در هم می لولند و

کار زیادی هم انجام نمی گیرد. بنابراین خیلی روشن به این نتیجه می رسیم که ما دچار ضعف تشکیلاتی هستیم و همواره از این یاد می کردیم که ایجاد یک تشکیلات اجتماعی بر پایه اسلام از واجبات اساسی هر انسان متعهد آگاه مسلمان است.

در تمام این مراحل تنها چیزی که در درون خودمان احساس می کردیم این بود که می خواهیم نیروهای مومن به انقلاب اسلامی را برای تحقق بخشیدن هر چه سریعتر و گسترده تر به آرمانهای این انقلاب بسیج کنیم و سازمان دهیم و چیزی که در خودمان نمی یافتیم قدرت طلبی و سلطه جویی بود. «۱»

بدیهی است ما مکلفیم به وظیفه خود که همانا گسترش جریان طرفداران جبهه حق و عدالت است عمل کنیم اما اگر شرایط به گونه ای رقم خورد که اقبال قابل توجهی نیز پیدا نشد باید به تکلیف عمل کرد و نهراسید.

"لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقله امله" «۲» در راه حق از کمی تعداد نهراسید.

(«۱»: شهید بهشتی، «۲»: نهج البلاغه خطبه ۲۰۱)

ماهیت:

در ترکیب صناعی افراد، هویت افراد در هویت تشکیلات محو نمی شود و اصولاً تشکیلات وجود مستقل از اجزاء ندارد بلکه تشکیلات عبارت است از مجموع اجزاء تشکیلات بعلاوه روابط سازمان یافته آنها با یکدیگر. این نظریه در تشکلهای اداری که اجزاء نه بنابر عقیده واحد که تنها برای حصول نتیجه ای مشخص گرد هم آمده اند ممکن است صحیح باشد اما در تشکیلات اسلامی ترکیب اجزاء حقیقی است نه صناعی و تشکل از آن جهت که مجموعه ای از افراد مشترک العقیده است همان سنتها و قوانینی که بر جوامع حاکم است با قوت و خدمت بیشتری بر آن نیز حاکم است و از آنجا که هر جزء در ارتباط تشکیلاتی با سایر اجزاء است در تاثیر و تاثر و جذب و انجذاب دائمی فکری و فرهنگی و علمی و سیاسی و مذهبی با سایر افراد تشکیلات است. اگر به جزئی از تشکیلات آسیبی برسد بنا بر روابط منسجم و سازمان یافته بلافاصله کلیه اعضاء و اجزاء در برابر دشمن مشترک و در جهت همدری با جزء آسیب دیده موضعگیری می نمایند. «۱»

"مثل المومنین فی توادهم و تراحمهم کمثل جسد اذا اشتکی بعض تداعی له سائر اعضائه بالمحمی و السحر" «۲»

مثل مومنان در ارتباط دوستانه با یکدیگر مثل جسمی است که وقتی یک عضوش آسیب می بیند سایر اعضا با او همدردی می نمایند .

(«۱»: شهید بهشتی ، «۲»: الحیاه ج ۱)

رسالت ها :

تشکل اگر بر محور آرمان و عقاید اسلامی شکل گرفته باشد سه هدف اصلی را پیگیری خواهد کرد :

الف - پاسداری از ارزشها :

تشکل باید پاسدار ارزشها باشد نه پاسدار خود . نگهبان ارزشها باشد نه نگهبان خود . هر وقت این تشکل بجای آنکه نگهبان ارزشها باشد و تلاشگر در راه ارزشها باشد ، به جای آنکه خداپرست و حق پرست و حق خواه و کمال خواه باشد ، خودخواه شد ، آن یک "طاغوت" است و بهتر است از سر راه مردم برداشته شود . «۱»

ب - سازندگی نیروها :

تشکل باید سازنده ما باشد . آسان کننده خودسازی برای ما و کمکی برای سیر الی الله برای شرکت کنندگان در این تشکل باشد . هر وقت یک از ما یا جمع ما به تشکلمان مشغول و سرگرم شدیم چنین تشکلی "لهو" می شود و باید از او پرهیز کنیم زیرا ما را از یاد خدا دور ساخته است . اگر تشکیلات آنقدر برای ما محبوب شد که جانشین خدا و حق شد ، این حالت "لهو" پیدا کرده که "ینهی عن ذکر الله" است و باید از آن دوری جست . دفا تر تشکل باید محل عبادت و خودسازی ما باشد . «۲»

ج - فایده رسانی به مردم :

اگر تشکیلات به درد مردم نخورد "لغو" می شود و باید از لغی گریزان بود : "عن اللغو معرضون" . تشکیلات باید به درد مردم بخورد و به جمهوری اسلامی کمک کند . بنابراین در داخل این تشکیلات باید برنامه ریزیهای گوناگون به وجود بیاید نه فقط برای خود تشکیلات که برای کل جامعه بلکه برای کل انقلاب اسلامی . «۳»

"اقرّب الناس الى الله يوم القيامة انفعهم للناس" «۴» نزدیکترین انسانها به خداوند در روز قیامت نافع ترین ایشان برای مردم خواهند بود .

(«۱» و «۲» و «۳»: شهید بهشتی ، «۴»: الحیاه)

شروع حرکت :

پس از آنکه جمعی هم فکر و عقیده گرد هم آمدند و تشکیلاتی شکل گرفت . معمولاً باید با آموزش و سازندگی تشکیلاتی و کلاسهای سازنده ابعاد عقیدتی و آگاه کننده در زمینه های ایدئولوژیک و سیاسی و تمرین دهنده در فعالیتهای اجتماعی سیاسی و شکل دهنده در ابعاد معنوی و اخلاقی کار آغاز شود . «۱»

"ما من حركة الا و انت محتاج فيها الى المعرفة" «۲» نیست حرکتی مگر آنکه تو به معرفت در آن محتاجی .

تشکیلات باید مواضع ایدئولوژیک و سیاسی خود را بیان نماید ، جزوه هایی در این رابطه منتشر کند و تفسیرها و تحلیلهايش را به طور پیوسته در اختیار اعضا قرار دهد . وقتی تشکیلات مایه دار شد و مستقر شد و مورد قبول جامعه قرار گرفت سراغ این برود که چگونه در سرنوشت امور جامعه موثر باشد . «۳»

"العامل على غير بصيره كالسائر على غير الطريق لا يزيدا سرعة السير الا بعدا" «۴» کسی که بدون بصیرت عمل کند چون رونده ای است که در مسیر حرکت نمی کند و هر چه بر سرعت بیافزاید دورتر می شود .

(«۱» و «۳»: شهید بهشتی ، «۲» و «۴»: الحیاه ج ۱)

ویژگی های مدیر :

تصدی مدیریت در تشکیلات اسلامی به احراز برخی صلاحیتهای و برخورداری از برخی ویژگیها وابسته است از جمله :

الف - تقوی و اخلاص :

جایگاه تصمیم گیری و نقش الگوساز مدیر اقتضاء می کند که وی فردی پرهیزگار و متوجه به خدا در اعمال خویش باشد تا کار از ثمره صحیحی برخوردار شود .

اتقوا الله يعلمکم الله «۱» تقوا پیشه کنید ، خدا خود تعلیم تان خواهد کرد
ان تتقوا الله يجعل لکم فرقانا «۲» اگر تقوا داشته باشید خدا به شما قدرت تشخیص حق از
باطل را خواهد بخشید .

ب - صبر و سعه صدر :

سختی های کار - خصوصا در امور مهم - برای موفقیت ، نیازمند صبر و استقامت است .
"الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه ان لا تخافوا و لا تحزنوا" «۳»
بر کسانی که ایمان آورده و برای آن استقامت کنند فرشته ها نازل می شوند که نهراسید
و غمگین نباشد .

"لا یصبر للحق الا من عرف فضله" «۴» برای حق کسی که قدرش را بداند صبر می کند
ج - آینده نگری و تدبیر :

بررسی عواقب و احتمالات امور و چاره اندیشی برای آنها از ضروریات حرکتی پخته و
حساب شده است .

"اذا هممت بامر فتدبر عاقبته" «۵» چون به کاری شدی عاقبتش را انیسه کن . "من
استقبل الامور ابصر" «۶» کسی که کارها را پیش بینی کند بینا می شود.

د - پیشتازی عملی :

مدیر باید چون راهبری صادق ، خود پیشتاز در امور باشد و عملا سایرین را به انجام کار
نیک دعوت نماید .

"كونوا دعاه الناس بغير السننکم" «۷» مردم را با عمل ونه زبانتان به حق دعوت کنید
"قولوا الحق تعرفوا به و اعملوا الحق تکونوا من اهله" «۸» حق را بگوئید تا به آن
شناخته شوید و به آن عمل کنید تا از اهلهش گردید .

ه - آگاهی و اولویت سنجی :

تصمیم گیری و عمل به موقع بدون آگاهی و تحلیل از شرایط زمان ممکن نیست و اتخاذ
بهترین تصمیم به دانستن اولویت ها بستگی دارد .

"من اشتغل بغير المهم ضیع الهم" «۹» هر کس به کار غیر مهم بپردازد امر مهمتر را
ضایع ساخته است . "العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس" «۱۰» فرد آگاه به زمان خویش
دچار اشتباهات نمی گردد .

و - اخلاق خوش و ارتباطات قوی :

مدیر خوب باید بتواند با برخورد جذاب و لحن و پیام مناسب با ارکان مختلف تشکیلات و مخاطبان آن ارتباط برقرار نماید .

"ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه" «۱۱» با حکمت و پند صحیح مردم را به سوی خدا فراخوان . "فبما رحمہ من اللہ لنت لهم و لو کنت فظا غلیظ القلب لانفضو من حولک" «۱۲» با مردم مهربان باش که اگر تند برخورد می کردی از تو دور می شدند.

ز - انتقادپذیری و مشورت :

موفقیّت کار انسان - که ناقص و خطاپذیر است - در کنار توجه به انتقادهای صحیح و تجربه های موفق ممکن خواهد شد .

"العاقل من وعظته التجارب" «۱۳» عاقل کسی است که از تجربه ها پند می گیرد
 "وقفوا (المؤمنون) اسماعهم علی العلم النافع لهم" «۱۴» مومنان پیرو سخن نافع اند
 "من استبد برایه هلک" «۱۵» هر کس بر نظرش استبداد ورزید هلاک شد
 "احب اخوانی من اهدی الی عیوبی" «۱۶» بهترین برادرانم هدیه دهندگان عیوبم به من اند
ح - امید به آینده :

سیاه نمایی بیش از اندازه که رافع امید و مانع حرکت انسان شود خصلت مومنان نیست و وجود اندیشه جبران برای مدیر الزامی است .

"انه لا ییاس من روح الله الا القوم الکافرون" «۱۷» جز کافران ناامید از او نمی شوند
ط - شجاعت و توکل :

ابهت و توان لازم برای برخورد با مسائل و همچنین جسارت انجام کارهای مهم به شجاعت و توکل مدیر محتاج است .

"من اراد ان یكون اقوی الناس فلیتوکل علی الله" «۱۸» قوی ترین انسانها شدن ، توکل به خدا را می خواهد .

(«۱» و «۲» و «۴» و «۱۱» و «۱۲» و «۱۷» : قران کریم ، سایرین : الحیاه ج ۱ و ۲)

نحوه فعالیت :

نحوه فعالیت تشکلهای - بخصوص تشکلهای دانشجویی - را در چند بخش به شرح زیر مورد بررسی قرار می دهیم :

الف - عضو :

هر چند وظائف شخصی افراد تشکل ارتباط مستقیمی با تشکل ندارد اما از آن جهت که عدم نگاه و برنامه ریزی صحیح وی می تواند او را از تشکل دور یا آسیب پذیر نماید لازم دیدیم تا اشاره ای بدان بنمائیم :

فردی که در یک تشکل ، در راه آرمانهایش ، مشغول فعالیت می گردد - خصوصا در تشکلهای دانشجویی - باید بداند که زمان حضور او در این عرصه محدود است و او باید با یک برنامه ریزی جامع در زندگی شخصی خویش خود را برای رسیدن به حدی از مطلوبیت و کارآمدی - در حوزه ای خاص - آماده سازد تا بتواند از آن طریق خدمت شایانی به مملکت خود بنماید . این فرد طبعا نیازهای شخصی بسیاری دارد که همزمان باید به آنها توجه نماید که توجه به رشد معنوی و سازندگی اخلاقی ، ارتباط مداوم با متون دینی و قرآن ، تلاش برای تحکیم باورها و عقاید ، توجه لازم به خانواده ، انتخاب شغل و منبع درآمد زندگی ، تمرین سختی و ساده زیستی و ... از آن جمله اند .

من قرا القرآن و هو شاب مومن اختلط القرآن بلحمه و دمه «۱»

جوان مومنی که قرآن بخواند قرآن با گوشت و پوستش در می آمیزد .

لیس منا من لم يحاسب نفسه فی کل یوم «۲»

کسی که هر روز خود را مورد محاسبه قرار ندهد از ما نیست .

طوبی لمن كان نظره غیره و سکوته فکرا و کلامه ذکرا «۳»

خوشا به حال آنکه نگاهش عبرت و سکوتش فکر و کلامش ذکر است .

در فضای دانشجویی یک دانشجو باید به سه نیاز اصلی علم، ایمان و آگاهی توجه هم زمان نماید و در تشکل به تکلیف خویش برای آگاهی بخشی عمل کند. عدم توجه به هر یک از موارد فوق ترکیبی ناموزون و غلط را شکل خواهد داد. کسی که به علم و ایمان توجه کند و از آگاهی به زمان بازماند، به راحتی طعمه بازیهای سیاسی خواهد شد و بدون توان تحلیل، جریانات سره را از ناسره باز نخواهد شناخت.

توجه به علم و آگاهی، بدون توجه به ایمان فردی توانمند ولی خطرناک را پرورش می‌دهد و توجه به ایمان و آگاهی، بدون توجه به علم فردی سالم و در عین حال ناکارآمد را بوجود خواهد آورد. «۴»

ناگفته نماند برخی افراد که به حق دغدغه درس و فعالیت علمی خویش را دارند با تصمیم و نتیجه ای ناحق از ورود جدی به فعالیتها ابا می کنند درحالیکه اگر کار تشکیلات به طور جمعی صورت پذیرد تعداد محدودی به خاطر فشار کاری خسران نمی بینند و از طرفی رشد جمعی و فعالیت مطلوبی نصیب افراد و تشکل می گردد .

(«۱» و «۲» و «۳»: الحیاه جلد ۱، «۴» برگرفته از سخنان رهبری)

ب - تشکل:

نکات مربوط به تشکل را در چهار بخش مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱- فعالیت:

نوع فعالیت‌های تشکل‌ها که به دنبال آگاهی بخشی به مخاطبان خود و جامعه می‌باشند، حرکتی فرهنگی - سیاسی است که البته شاید تفاوت عمده ایشان با احزاب در چیرگی فعالیت‌های بلند مدت فرهنگی بر جریان‌سازی‌های مقطعی سیاسی باشد.

طبیعی است که هر تشکل برای ماندن باید نیروهایی را جذب کرده و پرورش دهد. فلذا می‌توان سه رسالت عمده تشکل‌ها را "انجام فعالیت‌های فرهنگی - سیاسی"، "جذب نیرو از میان مخاطبان" و "پرورش نیروهای جذب‌شده" دانست.

عزیزان! فرهنگ اساس کار ماست. در واقع فرهنگ با تمام شعب آن یعنی علم و ادبیات و غیره، روح کالبد هر جامعه است. «۱»

فقدان هر کدام از رسالتهای مذکور جامعیت حرکت تشکل را مخدوش خواهد ساخت . توجه بیش از حد به «فعالیت» در کنار بی توجهی به «جذب» و «پرورش» نیرو ، وضعیتی زیگزاگی در فعالیتها ایجاد خواهد کرد و تشکل را به افراد وابسته می سازد . متأسفانه کم توجهی نسبت به کادرسازی مساله ای است که گریبان اکثر تشکلها را گرفته است .

برخی فعالان تشکلها چنان پنداشته اند که فعالیت به نفسه موضوعیت داشته لذا به همراه تعداد اندکی مشغول فعالیت و انجام کارهای نسبتاً موفق نیز شده اند در حالیکه تشکر برای گسترش نیروهای کارآمد خود باید هزینه کار تشکیلاتی جمعی و کم تجربگی نیروها و نظارت بر آنها را بدهد تا پس از مدتی کارها به یکباره تعطیل نشوند و حرکتی مداوم تثبیت گردد .

قلیل یدوم خیر من کثیر لا یدوم «۲»

فعالیت اندک و پایدار بهتر است از فعالیت مقطعی و بسیار.

هر چند ابتکاری بودن فعالیتها و بازتاب رسانه ای آنها تا حدی می توانند در اثربخشی اجتماعی فعالیت تشکل موثر افتند اما آنچه باید برای تشکل مهم باشد نه فزاینده سازی های تبلیغاتی و جریان سازی های مقطعی سیاسی که تاثیرگذاری بر مخاطبان خاص خود تشکل و رشد نیروهای جذب شده به آن است.

استفاده از پتانسیل حرکتی اجتماعی همچون بازدید از مناطق محروم شهر و ... برای جذب مخاطبان و انتقال پیامها در حین اینگونه حرکات و تبدیل این فعالیتها به جریانات مطالبه گرانه و نظارتی ممکن و مفید خواهد بود.

در این میان بنظر می رسد قالب «نشریه» نیز ابزاری کم هزینه و در عین حال مفید برای اهداف جذب و پرورش نیرو باشد. چرا که یک نشریه موفق می تواند ارتباطی موثر و فعال با مخاطب خود برقرار نماید و مفاهیم مدنظر خود را به او منتقل نماید و از طرفی از آنجا که به توانی نسبی از فکر و مطالعات مختلف محتاج است به رشد نیروهای تهیه کننده آن کمک خواهد کرد. لزوم توجه به ویژگیهای مخاطب و یادگیری ابزارهای تاثیرگذاری بیشتر - چون روشهای نویسندگی و ... - نیز به رشد همه جانبه ایشان کمک می کند.

گاه این نقیصه قشر دانشجو که اهل مطالعه نمی باشد نیز به عنوان معضل فعالیتها ی مکتوب و مطالعاتی تشکلها مطرح می شوند که هرچند تولیدات صوتی و تصویری قالب مناسبی برای پیام رسانی می باشند اما نباید کتاب و نشریات به عنوان مهمترین ابزار انتقال فرهنگ و اندیشه را کنار گذاشت و باید به فکر فرهنگسازی در این زمینه بود.

انجام فعالیتها ی تشکلها باید براساس فکری مدون و برنامه ریزی منطقی صورت پذیرد. این «برنامه ریزی» مبتنی بر آرمانها و تفکرات خاص صاحبان تشکل و با توجه به نیازهای جامعه، مخاطبان و خود تشکل صورت می پذیرد و به ترسیم «اهداف» و تعیین «اولویتها» منجر می گردد. بر آن اساس «استراتژی» ها یا روندهای رسیدن به اهداف تعیین و برای تحقق آنها «برنامه» هایی خاص پیش بینی می شوند.

در این میان فعالسازی عنصر «نظارت» و مراقبه درونی می تواند عاملی مهم در اصلاح روندها و نقایص تشکل و حفظ خلوص و سلامت آن باشد.

حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا «۳» پیش از آنکه موعده محاسبه شما فرا برسد، رفتارهای خود را مورد بررسی قرار دهید.

اما دغدغه مهمی که دست اندرکاران تشکل به آن می اندیشند چگونگی افزایش تاثیرگذاری فعالیتها ی مختلف تشکل بر مخاطب است. به نظر می رسد چنگ زدن به ابزار «هنر» برای

نیل به این هدف و جهت جلوگیری از آفات مختلف بروز این دغدغه - که معمولا با دست بردن در محتوای فعالیت و تغییر آن صورت می گیرد - مفید واقع شود .

از آنجا که شرایط عموم تشکلهای به گونه ای است که امکان تدوین طرحی جامع و مرحله بندی شده برای حرکت بلندمدت تشکل خود را ندارند و اساسا در تشکلهای دانشجویی عمر فعالیت افراد محدود می باشد و تا فرد بخواهد به حدی از توانمندی های فکری و عملی برسد فرصت تمام شده است این آفت بروز می کند که فعالیتها در راستای اهدافی که تشکل مد نظر داشته یا اولویتهایی که بر اساس نظام ارزشی خود تعیین کرده صورت نمی پذیرند . به نظر می رسد برای پرهیز از این روزمرگی حداقل نباید از این اصل که : تا برنامه ای با استدلالهایی روشن و پس از انطباق با اهداف و اولویتهای و شرایط ارائه نشود به انجام نخواهد رسید ، تخطی شود .

آنچه برای یک تشکل می تواند مفید باشد شکل گیری شرایطی منطقی و مباحثی پخته در جمع شورای مرکزی آن تشکل است . اگر بحث مفید که از ثمره تفکر و مطالعه و مشورت اعضاء به دست می آید مورد توجه قرار گیرد به همفکرسازی دست اندرکاران و اقماعی شدن مصوبات شورا کمک شایانی می نماید .

بدیهی است اولین سوالی که هر مدیر تشکل باید بتواند به آن پاسخ دهد این خواهد بود که مشخصه های فکری که ما مدعی تبلیغ آن شده ایم کدامند ؟ نحوه پاسخ به این سوال اولیه به میزان عمق مبانی فکری در دست اندرکاران تشکل وابسته است و برای عمق بخشیدن به آن فکر ، استفاده از اساتید انقلابی و آگاه و منابع مکتوب اصیلی که حاوی تفکرات بزرگان و معماران انقلاب اسلامی می باشند ضروری خواهد بود .

بدیهی است همه این عناصر باید در حین انجام فعالیتها عملی مورد توجه قرار گیرند و منظور از طرح اینها رفتن به انتزاعهای تئوریک و مطالعاتی صرف نیست .

همچنین برخی به تشکلهای عدالتخواه و ... که اولویتهای خاصی را مدنظر قرار داده اند چنین انتقاد می کنند که موضوعات مهم دیگری چون حجاب ، جنبش نرم افزاری و ... نیز هستند ولی شما ضریب جدی در کارهایتان به آنها نمی دهید ! اگر گردانندگان اینگونه تشکلهای چنین استدلال کنند که عدالت اولویت دارد و از رهیافت آموزه های دینی ، رهنمودهای رهبری - که اولویت اصلی تشکلهای دانشجویی را این مساله دانستند - و شرایط جامعه و کشور می توان به این نتیجه رسید ، پاسخ صحیح است ، چرا که پرداختن به اولویتهای اصل اساسی همه حرکتها انقلابی است و اساسا اختلاف با گروههایی مثل انجمن حجتیه در عرصه عملی از طرح اولویتهای فرعی ناشی شده ، وگرنه مبارزه با وهابیت ناپسند نیست ولی با وجود فسادهای بزرگی چون رژیم شاهنشاهی و

آمریکا ناپسند نیز می تواند باشد ، اما این مساله را نیز نباید فراموش کرد که اگر موضوعاتی در اولویتهای بعدی قرار دارند باید در حد خود ضریب بگیرند و به اندازه وسع تشکل در فعالیتهايش بروز کنند . لذا توجه همه جانبه به فعالیتهاى تشکل باید همواره مدنظر مدیران باشد .

(«۱»: رهبر انقلاب ، «۲»: لحياء ، «۳»: نبی اکرم - ص -)

۲- جذب :

اگر مخاطبان تشکل همه کسانی باشند که به نحوی از فعالیتهاى آن تاثیر می پذیرند ، حیطه جذب به آن دسته از مخاطبان که تشکل نیز قصد تاثیرگذاری بر آنها را داشته است محدود می گردد . اگر هدف جذب همچون هدفی که سایر اقدامات باید داشته باشند هدفی الهی باشد از برخی نگاههای ابزاری که نیرو را صرفا برای پیشبرد اهداف خود می خواهند و تعالی او برایشان مهم نیست مصون خواهد ماند . بعبارتی تشکل باید برای خدا جذب کند و نیرو باید برای خدا بیاید . اگر اینگونه شد قطعا آن نیرو نیز نه به طمع منافع شخصی مادی که برای تعالی خود و جامعه به تشکل گام می نهد .

هر چند سایر نیتهای و انگیزه ها نیز در طول زمان قابل تغییر و تصحیح اند .

از آنجا که مخاطبان تشکلهای معمولا به دو دسته «خاص» و «عام» قابل تفکیک اند و مخاطبان خاص از مشترکات بیشتری با تشکل برخوردارند لذا طبعا امید به جذب نیرو از میان این دسته بیشتر خواهد بود . این مخاطبان که برای تشکلهای انقلابی عموما طیفهای مذهبی را تشکیل می دهند با توجه به ویژگیها ، دغدغه ها ، نقایص و علاقه مندی هایشان قابل تاثیر پذیری خواهند بود .

چالش اصلی تشکلهای با این دسته از نیروها ، عدم احساس مسوولیت فلذا عدم ورود به فعالیتهاى فرهنگی سیاسی تشکلهاست که عموما توجه درس یا بی توجهی های ناشی از مبانی غلط فکری و بعضا نگاههای منفعت محور ریشه این مساله اند و شایسته است که تشکلهای با تزریق روحیه ایثار و فرهنگ جبهه و زندگی جهادی به رفع این نقیصه خطرناک و البته ناشی از جهل ، با برخوردی صحیح ، همت گمارند .

ناگفته نماند که مخاطب اصلی جذب همین دسته اند چرا که از اکثر مخاطبان عام توقع جذب و سپس فعال شدن در تشکل نیست و همین ها هستند که نیروهای بعدی فعال در تشکل خواهند بود .

هر چند محتوا و قالب فعالیتهاى تشکل در جذب مخاطبان موثر اند اما نباید عامل مهم ویژگیها و رفتارهای دست اندرکاران تشکل در این مساله را نادیده گرفت و خصوصا در

کار فرهنگی که ارتباط رو در رو و مداوم افراد از نقش بسزایی در آن برخوردار است باید روی این عامل حساب جداگانه ای باز کرد .

تشکلی که بر اساس آرمانی مشخص فعالیت می نماید طبعاً نمی تواند بدون دافعه باشد و از پذیرش برخی افراد سر باز نزند و هر چند جاذبه حداکثری و دافعه حداقلی رویه ، و برخورد برادرانه اصل ارتباطی ایشان را تشکیل دهد .

بسیاری از فعالان فرهنگی - خصوصاً در عرصه فرهنگ عمومی مانند مجلات و صدا و سیما - برای جذب مخاطب از پشت کردن به ارزشها و کوتاه آمدن از اصول خویش ابا ندارند و در قبال جلب توجه مخاطبان و پاسخ به علایق ایشان اقدامات مبتذلی را نیز انجام می دهند لذا جا دارد تا عوامل جذابیت برای نیفتادن در این ورطه بیشتر مورد بررسی قرار گیرد .

تاثیرگذاری بر مخاطب عام از ظرافت و حساسیت خاصی برخوردار است . توجه به نقاط مشترک ایشان و ارزشهای فطری و دینی می تواند نقطه عطف فعالیت‌های مورد نظر را تشکیل دهد . همه این مخاطبان به عدالت ، آزادی ، ایثار و نعدوستی و ... به چشم ارزشهایی مثبت می نگرند و هنوز مفاهیمی چون شهادت ، حب اهل بیت -ع- ، مبارزه با ظالم و دفاع از مظلوم ، رسیدگی به محرومان ، مبارزه با تبعیض و رانتخواری ، ساده زیستی مسوولان و ... برای ایشان جذاب است . ارائه این مفاهیم در قالب‌های هنری جذاب می تواند در جذب گسترده این دسته از مخاطبان نیز موثر واقع شود .

شاید ملاک موفقیت تشکل در قبال این دسته از مخاطبان نه فعال شدن ایشان در تشکل که نفس تاثیرپذیری از فعالیت‌های آن باشد و ناگفته نماند ، این تصور که این دسته از نیروها - که بعضاً در ظاهر پایبندی به احکام الهی ندارند - ارزش گریز یا دین گریز اند چرا که حرکت‌هایی چون اعتکاف دانشجویی ، مراسمات مذهبی و شبهای قدر و روزهای محرم و ارج نهادن به جایگاه شهیدان ، توجه به ارزشهای مثبت در حاکمان و ... نشانگر وجود باورها و ارزشهای مثبت در ایشان است هرچند در حوزه نمادها بروز جدی نداشته باشد لذا نباید با نوعی خودباختگی به موضوعات فرعی و مبتذل روی آورد .

البته اگر تشکلی در جذب مخاطبان خاص خود موفق و گسترده عمل نماید می تواند از طریق ایشان و به طور غیرمستقیم به ایجاد تحول در جامعه دست بزنند و به عبارتی اگر همین نیروهای حزب الهی فعال شوند و در حیطه های مختلف از خود کارآمدی نشان دهند قطعاً قله های ارزشی جامعه را فتح و دل‌های مردم را به سوی خود جلب خواهند کرد . بررسی موانع و سوالات مخاطبان برای پیوستن به تشکل و جریان فکری آن ، و تهیه سازوکار پاسخ منطقی و دقیق به آنها از مواردی است که مدیران تشکل باید آنرا مورد

بررسی قرار دهند. پاسخ صحیح به این سوالات با ارتباط و چالش با مخاطب به دست می آید.

البته نباید فراموش کرد که این کار هر چند به ظاهر آسان تر می نماید اما در واقع از سختی ها و ظرافتهایی برخوردار است که به راحتی قابل انجام نیست.

قل ادعوا علی بصیره انا و من اتبعنی «۱»

بگو من و پیروانم بر اساس آگاهی و بصیرت به دعوت انسانها مشغولیم.

لئن یهدی الله بک رجلاً خیر لک من الدنیا و ما فیها «۲»

اگر خدا به وسیله تو انسانی را هدایت کند برای تو از همه دنیا و آنچه در آن است بهتر است.

(«۱»: قرآن کریم، «۲»: الحیاه ج ۱)

۳- پرورش:

تربیت نیرو و افزودن بر توانمندی ها و آگاهی های وی به جمع شدن شرایطی در مدیران تشکل و ایجاد فضایی در درون تشکیلات وابسته است. نمی شود از مسئول تربیت نشده و نا آشنا با مبانی دینی یا فضایی غیر اخلاقی و مملو از لغو و لاهو انتظار نیروسازی داشت و ...

از طرفی نیروهای جذب شده نیز قبل از به کار گیری جدی در تشکل باید از حداقل‌هایی در حیطه آگاهی و مبانی فکری برخوردار شوند. شاید پله اول تقابل تشکل با نیروی خود پاسخ به سؤالات ذهنی و تغییر دغدغه های او باشد. شناسایی سیر رشد فکری نیروها و عوامل مؤثر بر آن تا حد رسیدن به یک نیروی مطلوب حداقل چیزی است که مدیران یک تشکل باید به آن توجه نمایند.

اهمیت انتقال صحیح مبانی فکری به نیروها از آن جهت که هر نوع انحراف در این زمینه می تواند منشأ آثار عملی زیانبار و حتی تغییر جهت حرکت تشکل در آینده باشد، دو چندان می گردد. از طرفی هر چند فعالیت در تشکل با توانمندی های عمومی همه نیروها میسر است اما آموزش ابزارها و توانمند سازی نیروها در زمینه های مختلف از جمله کار تشکیلاتی جمعی، قالب های هنری، شیوه های نویسندگی و ... ایشان را مهیای فعالیت مؤثرتر و موفق تر می نماید. لذا مدیران تشکل باید برای آموزش و پرورش نیروهای خود برنامه ای مدون و حساب شده داشته باشند. تهیه جزوات و استفاده از اساتید کاردان در این زمینه مؤثر است. در دسترس قرار دادن و معرفی منابع مکتوب (کتاب، مجله، سایت و ...) مبتنی بر ارزش های انقلاب اسلامی و آشنایی ایشان با مؤلفه های تفکر اسلام ناب، پله اول رشد نیروها را تشکیل می دهد.

از آنجا که امکان مطالعه حجم وسیع کتابهای مفید دینی و انقلابی توسط نیروها ممکن نیست، تشکل باید در زمینه های مختلف به تهیه لیستی از بهترین کتابها اقدام کند و آنها را به نیروهای خود معرفی نماید. لزوم جامعیت این گستره مطالعاتی برای شکل دهی صحیح فضای فکری نیرو ضروری است. این گستره باید شامل زمینه های تاریخی، هنری، دینی، سیاسی، اخلاقی و ... باشد. تحلیل مسایل روز و تشویق نیروها به شناخت جریان ها و پیگیری مسایل جاری عامل مهمی در ایجاد عنصر «آگاهی» در ایشان است. در این میان و خصوصا در مسایل سیاسی استفاده از اساتیدی که از مبانی فکری ناب و فارغ از گرایش های فکری یا سیاسی خاص برخوردار باشند، نقش بسزایی را در چگونگی تطبیق صحیح ارزشهای فکری بر واقعیات عینی ایفا خواهد کرد.

اساسا نباید از دانشجویانی که قرار است در رشته های مختلف متخصص شوند انتظار داشت که انواع کتابهای فرهنگی سیاسی را مورد مطالعه قرار دهند و از اینجاست که می توان نتیجه گرفت نقش عنصری به نام «استاد» در رساندن دانشجویان به تحلیل و مبانی صحیح از اهمیت بسیار اساسی است .

همچنین تجربه برگزاری دوره های آموزشی و کارگاههای عملی و اردوهای تشکیلاتی و ... در زمینه های مختلف، نقش مؤثر آنها در ورود نیرو به فضای فکری تشکل را نشان داده است.

تشکلها که نسبت به فعالیتهای انتقادی، اجتماعی و سیاسی توجه جدی تری دارند باید نسبت به آسیبهای این نوع حرکتها پیشگیری لازم را صورت دهند. افتادن در ورطه بدبینی و سیاه نمایی و دور شدن از انصاف، مطلق انگاری مفرط و آرمانی دیدن همه فلذا نفی همه افراد، کم توجهی نسبت به ابعاد فردی و معنوی و ... باید بیش از سایر آسیبها مورد توجه باشند.

و بالاخره مدیر باید از خلاقیت لازم برای گرداندن امور برخوردار باشد، ذهن و فکر مدیر باید مشغول امور تشکیلات و بررسی جوانب امور و ریزه کاری ها باشد، مدیر باید برای تک تک نیروهای خود وقت صرف کند و به مشکلات هر یک توجه کافی نماید تا تشکلی یک دست و حول محور آرمان ها و نه صرفا حول روابط دوستانه یا اهداف مقطعی شکل بگیرد و نهایتا اینکه مدیر باید سعی کند که خود الگویی از نیروی مطلوب مد نظر تشکل باشد.

۴- نگاه جبهه ای:

شاید کم توجه ترین موضوع مرتبط با تشکل ها، برقراری ارتباط تشکل های انقلابی با یکدیگر باشد. بروز این مشکل را نه در همت های از دست رفته که در آرمان های بزرگی

باید جستجو کرد که کم کم کوچک و فراموش شده اند. فعالان جبهه حق در اوایل انقلاب با شعار صدور انقلاب و ایجاد پایگاههای مقاومت در همه نقاط جهان وارد عرصه شده و به راستی از موانع کوچکی چون مرزهای جغرافیایی عبور کرده بودند، چه رسد به موانعی چون سلیق شخصی و ...!

تشکل های انقلاب اسلامی اگر خود را در حال جهاد شبانه روزی در جبهه فقر و غنا و حق علیه باطل ببینند و دشمنان مشترک و فعال خویش را به خوبی بشناسند بی شک خود را بی نیاز از تقویت یکدیگر و ارتباط با هم نمی بینند.

ایجاد زمینه همکاری و همراهی مشترک در تشکل ها، توان ایشان را در جهت احیاء آرمانها و تحقق ارزشهای انقلابی مضاعف نموده، امکان جریان سازی و تأثیر گذاری ایشان را چند برابر می نماید.

از طرفی استفاده از پتانسیلهای پایگاههای مختلف این جبهه به تکمیل توان و افزایش قدرت نیروهای انقلاب کمک خواهد کرد. حمایت از حرکت های فرهنگی - سیاسی پایگاههای مختلف این جبهه موجب دلگرمی ایشان و گسترش تفکر این جریان در سطح محله، شهر، استان، کشور و جهان خواهد شد.

دست اندر کاران تشکلهای انقلابی اگر با سعه صدر و تعامل سازنده در جهت آرمانهای بلند خویش گرد هم آیند و موانع این وحدت ایدئولوژیک را از بین ببرند به قدرتی مؤثر تبدیل خواهند شد. وگرنه تفرقه و اختلاف این صلابت را زایل خواهد کرد.

ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم «قرآن کریم»

درگیری ها را کنار بگذارید وگرنه ضعیف خواهید شد و قدرت خود را از دست می دهید.

لزوم تعیین موضع نسبت به سایر تشکلهای دانشگاه و توجه به نقایص هر کدام و تلاش برای اصلاح آنها - و نه تخریب چرا که امکان برقراری ارتباط و جذب بدنه دانشجویی نیروهای مذهبی و حزب الهی ممکن است - ضروری است .

شاید ذکر این نکته نیز لازم باشد که مبنای این گرایش و وحدت نباید اهدافی مقطعی یا سیاسی باشد وگرنه این جمع خود به خود به تفرقه و انحراف کشیده می شود و با از دست دادن ارزش اصلی خود، یعنی تفکر ناب انقلابی، کارآمدی اش را از دست می دهد.

اگر این همگرایی در جهت تحقق اولویت های مد نظر رهبری می بود شاید سرنوشت برخورد با پرونده های مفاسد اقتصادی و مبارزه بی امان با فقر و فساد و تبعیض، با اوضاع کنونی متفاوت می بود و البته هنوز هم دیر نشده است ...

پایگاه اینترنتی جنبش عدالتخواه دانشجویی

www.motalebe.ir

شامل بخشهای :

اخبار
یادداشت
مصاحبه و گزارش
مقالات
هنر و ادبیات انقلاب
عکس و کاریکاتور
آموزشی
معرفی کتاب
با انتخابات
و بخش صوت ، جزوات ، تراکت و کارگاه قلم

به روزرسانی در هر روز

آماده دریافت مطالب و اخبار شما

info@motalebe.ir



رابطه های ایمانی و اعتقادی و عملی دینی سازمان نیافته ، تنها
برای رسیدن به بخشی از اهداف و تحقق بخشیدن به قسمتی از
مراحل یک انقلاب می تواند کافی باشد

شهید بهشتی

